

تپش زندگی قاتلان معروفی را که در این سال ها خبر ساز شدند، مرور کرده است

معمایان

پرونده ویژه

یادداشت

تپش

۴ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم

تحقق یک آرزوی محال

نوجوان بودم که به اخبار حوادث و گزارش های جنایی علاقه مند شدم. تا جایی که ضمیمه های حوادث روزنامه ها را با خودم سر کلاس می بردم و در زنگ تفریح، ماجراها را با آب و تاب



زینب علیپور تهرانی

روزنامه نگار

برای همکلاسی هایم تعریف می کردم. همان روزها بود که به نوشتن داستان به خصوص داستان های پلیسی علاقه پیدا کردم و گاهی چیزهایی برای زنگ انشاء می نوشتم و مورد محبت دبیر ادبیات و همکلاسی هایم قرار می گرفتم. همین انگیزه ای شد که به نوشتن ادامه بدهم. حتی تماشای فیلم ها و سریال های پلیسی و معمایی هم برایم جالب شد و کتاب های آگاتا کریستی هم جایگاه ویژه ای برایم پیدا کرد. هیچ وقت تصور نمی کردم روزی بتوانم در تپش، این ضمیمه جذاب روزنامه جام جم قلم بزنم. آن هم در جایی که محمد بلوری، نویسنده و روزنامه نگار قدیمی سال هادر آن داستان می نوشت و داستان هایش طرفداران بسیاری داشت. نوشتن در چنین رسانه ای که بزرگانی از این دست به خود دیده بود، شاید روزی برایم یک آرزوی محال بود. اما این روزها به علاقه مندی هایم تبدیل شده است. حدود یک سال و نیم پیش که به پیشنهاد آقای غمخور، سردبیر تپش شروع به نوشتن داستان کردم، تصور نمی کردم بتوانم در هزارمین شماره این ضمیمه نیز همکاری کنم. در این مدت بازخوردهای خوبی هم از دوستان و همکاران و اطرافیان گرفتم. احساس خوبی که مخاطبان داستان هایم به من می دهند این انگیزه را در من هر روز بیشتر می کند. حتی پیام های پرمهری که به واسطه و بی واسطه دریافت می کنم، انرژی مضاعفی در این مسیر به من می دهد. گاهی که به دلیل آگهی ها وقفه ای در چاپ داستان ها می افتد، این محبت و توجه مخاطبان که پیگیر داستان ها هستند، به من احساس غرور می دهد. امیدوارم بتوانم تا تپش و طرفدارانش هستند، داستان های جذاب بیشتری بنویسم.



داستان جنایی

علی اصغر بروجرودی، قاتل ۳۳ کودک



علی اصغر بروجرودی، معروف به اصغر قاتل، لقب اولین قاتل زنجیره ای در ایران را بدست می کشد. مردی قد بلند و درشت اندام که در دوران زندگی خود، ۳۳ کودک شامل ۲۵ کودک ایرانی و هشت کودک خارجی را با قساوت قلب به قتل رساند. اصغر قاتل در خانواده ای به دنیا آمد که در زمان خود از شوروترین و بدنام ترین خانواده های شهر به شمار می رفت. او با فروش تنقلات، کودکان را فریب می داد و پس از تجاوز، آنان را به قتل می رساند. او جنایت هایش را ابتدا از عراق شروع کرد و برای فرار از دست پلیس به ایران گریخت اما این فرار هم باعث نشد از جنایت هایش دست بردارد. اصغر در ایران، با دستفروشی جلوی در مدرسه ها، کودکان و نوجوانان را اغفال و پس از قتل و تجاوز، جسدشان را در کوره یزخانه ها و قنات های جنوب تهران رها می کرد. با این روش، او هفت کودک ایرانی را به قتل رساند. اواخر اسفند ۱۳۱۲ بود که پلیس در حوالی چاه های قنات امین آباد به مرد میانسالی مشکوک شد که یک پیت حلبی و پشته حمالی به همراه داشت. پلیس پس از بازرسی بدنی، جاقوی خونینی را در بساط او پیدا کرد که مشخص شد به تازگی نوجوانی را به قتل رسانده است. اصغر قاتل در سال ۱۳۱۳ به دار آویخته شد.

مهین قدیری قاتل ۶ زن



به جز مردانی که نامشان در دسته قاتلان سریالی قرار می گیرد، یک زن به نام مهین قدیری هم با قتل پنج زن و یک مرد توانست نام خود را بین قاتلان سریالی ایرانی مطرح کند. مهین که در زمان قتل ها، ۳۲ سال داشت، قربانیان خود را از میان پیرزنانی انتخاب می کرد که به اماکن زیارتی رفته بودند و به بهانه رساندن به مقصد، آنها را سوار خودروی رنوی کرم رنگ خود می کرد. او سپس با خوراندن آبمیوه مسموم، قربانیان خود را بیهوش و پس از خفه کردن آنان، اموال و طلاهای شان را سرقت کرده و اجسادشان را در حاشیه شهر رها می کرد. پلیس برای دستگیری مهین ۲۷ هزار رنو را در داخل کشور بررسی کرد و از طریق برگ جرمیه یک خودروی رنوی کرم رنگ به مهین رسید و او را دستگیر کرد. او در اعترافات خود انگیزه اش را از قتل ها فقر و بیماری فرزندش عنوان کرد. پرونده جنایت های مهین ساعت ۳ و ۷ دقیقه روز ۲۹ آذر ۸۸ و با اجرای حکم قصاص در محوطه زندان مرکزی قزوین بسته شد.

بیجه، قاتل زنجیره ای

در میان قاتلان زنجیره ای که با آمار بالا معروف به بیجه نویسیم. قاتل ۲۲ ساله را رساند و سپس اجسادشان را سربیه نیست پاکدشت کارگری می کرد. او دوران کودکی را از سوی یکی از آشنایانش چندبار مورد تجاوز بذر نفرت و حسرتی در دلش کاشت که بعد شروع به شکنجه و کشتن حیوانات کردها قربانی او کودک ۱۰ ساله ای بود که سال ۸۱ و جرح با چاقو و سوزاندن اجساد در کور بود، از چنگ او فرار کرد. بیجه پس از مدتی زندگی شبیه من داشتند، می کشتیم تا غدا هم فرصت داشتیم، کودکان را می کشتیم. او برای تحویل جسد نیامدند.